

آنها. این کتاب در ۱۹۸۳م در بغداد به کوشش یونس احمد سامراپی و نوری حمودی قیسی و در سال ۱۹۸۴م به کوشش جلیل العطیه چاپ شد. دیوان اشعار ابوالفرج در دست نیست. از اشعار او تنها ۱۷۲ بیت در بیست و پنج قطعه باقی است (نک: آذرنوش، همان، ص ۱۳۳).

منابع: آذرنوش، آذرتابش، «ابوالفرج اصفهانی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۳؛ ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۸؛ ابوالفاء، عمادالدین اسماعیل، المختصر فی اخبار البیش، بیروت، ۱۳۲۵؛ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ادب الغرباء، به کوشش صلاح الدین منجد، بیروت، ۱۹۷۲؛ همو، الاغانی، بیروت، ۱۹۷۲؛ همو، همان، ترجمة مشایخ فریدنی (برگریده)، تهران، ۱۳۶۱؛ بالامر، رزی، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتابش آذرنوش، تهران، ۱۳۶۳؛ تنوخي، محسن بن علی، جامع التواریخ، المسئی به نشوارةالمحاضرة و اخبارالمذاکرة، به کوشش د. س. مرجلیوت، مصر، ۱۹۲۱؛ تعالی، ابو منصور عبدالملک، یتیمة الدهر، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۳۹۳؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، ۱۳۴۹؛ خلف الله، محمد احمد، صاحب الاغانی، قصہر، ۱۹۶۸؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۹۲؛ دایرة المعارف فارسی، به سریرستی غلامحسین مصاحب، تهران، ۱۳۴۵؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، ۱۳۷۷؛ طاش کیریزاده، احمدبن مصطفی، مفتاح السعاده، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹؛ عبدالجلیل، ج. م.، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتابش آذرنوش، تهران، ۱۳۸۲؛ گیب، هامیلتون، درآمدی بر ادبیات عرب، ترجمه یعقوب آزند، تهران، ۱۳۶۲؛ مبارک، زکی عبدالسلام، التشریفی فی القرن الرابع، مصر، ۱۹۳۴؛ مشایخ فریدنی، محمدحسین، «مقدمه»، نک: ابوالفرج اصفهانی؛ منجد، صلاح الدین، ادب الغرباء، نک: ابوالفرج اصفهانی؛ یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، معجم الادباء، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۴۰۰؛ ۱۹۸۰.

Abu Deeb, K., «*Abu'l-Faraj Esfahānī*», *Encyclopaedia Iranica* I, New York, 1985; Nallino, M., «*Abu'l-Faradj al Isfahānī*», *The Encyclopaedia of Islam* I, Leiden, 1986; Nicholson, R.A., *A Literary History of Arabs*, New York, 1907.

شهناز سلطان‌زاده

إحياء علوم الدين. مشهور به «إحياء العلوم»، مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب ابو حامد محمد غزالی* (۴۵۰-۵۰۵ق)، در عرفان و اخلاق، به زبان عربی، که او آن را در ایام سفر و اقامته در ساله خود در شامات و حجاز نوشته است. در اهمیت این اثر گفته‌اند، که اگر همه کتابهای عالم اسلام از میان می‌رفت و تنها

داستان لیلی و مجنون، نک: همان، ص ۱۹۱؛ شیوه دادن اطلاعات، به صورت نقل تسلسل وار روایات از راوی و راویان پیشین، که خود سیر تحول ارائه اطلاعات را نیز نشان می‌دهد؛ و بالآخره منابعی که مستقیم یا غیرمستقیم در آثار او به آنها اشاره شده است (در مورد منابع مهیّ که مورد استفاده ابوالفرج اصفهانی بوده است، نک: آذرنوش، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷). نحوه نگارش ابوالفرج هم از نظر پژوهشگران دور نسبوده است. او، در عین حال که به جنبه‌های استنادی و اعتبار علمی نوشته‌هایش مفید است (نک، مبارک، ج ۱، ص ۲۴۱)، به چگونگی بیان مطلب نیز توجه دارد و «کوشش می‌کند که تأثیف تقلیلی به خواسته تحويل ندهد» (نک: بلاشر، ج ۱، ص ۲۱۱). سرودهای ابوالفرج روان و دلنشیں است. شیوه دوری از درازگویی در شعر او نیز ساری است. بی‌مقدمه به اصل موضوع می‌پردازد (نک: آذرنوش، همان، ص ۱۳۴). او شیوه شعرسازی این معترض را می‌ستاید و از او پیروی می‌کند (نک: الاغانی، ج ۱۰، ص ۲۷۴) و گاهی گیراتر از او شعر می‌سراید (نک: آذرنوش، همان، ص ۱۳۳). یاقوت حموی اشعار هجایی او را بر دیگر سرودهای او ترجیح می‌دهد (در این مورد نک: یاقوت حموی، همان، ج ۱۳، ص ۱۰۹؛ آذرنوش، همان، ص ۱۳۴).

آثار. بنابر منابع، آثار ابوالفرج اصفهانی بیست و هشت عنوان را شامل می‌شود (در مورد برخی عنوانین کتابهای او نک: ابن ندیم، ص ۱۸۹؛ شعالی، ج ۳، ص ۱۰۹؛ خطیب بغدادی، ج ۱۱، ص ۳۹۸؛ یاقوت حموی، ج ۱۳، ص ۹۹-۱۰۰)؛ خطیب بغدادی (همان‌جا) می‌گوید: «بخشی از آثارش را به اندلس فرستاد و دیگر به دست ما نرسید». در حال حاضر تنها چهار کتاب او در دست است: ۱. الاغانی؛ ۲. مقاتل الطالبيين و اخبارهم (تأثیف در ۳۱۳ق)، شامل شرح احوال طالبیان (=ساداتی که از نسل علی (ع) و برادران آن حضرت بوده‌اند) و شرح حال و ذکر شهادت امام حسین (ع) و فرزندان آن حضرت که از منابع کهن و معتبر در شرح وقایع کربلاست؛ ۳. ادب الغرباء من اهل الفضل والادب (دیگر عنوانهای این کتاب: آدب الغرباء، نک: خطیب بغدادی، همان‌جا؛ ادب الغرباء، نک: یاقوت حموی، ج ۱۳، ص ۹۹)، کتابی در موضوع ادب و متعلق به دوران پیری نویسنده (نک: ابوالفرج اصفهانی، ادب الغرباء، ص ۳۱۰-۳۱۳؛ همچنین نک: ابودیب، ج ۱، ص 283). صلاح الدین منجد نسخه منحصر به فرد این کتاب را، که در اختیار بدیع الزمان فروزانفر بود، در سال ۱۹۷۲م در بیروت به چاپ رساند؛ ۴. الاما الشواعر، کتابی در شعر شاعران عرب و اخبار مربوط به

را دربر می‌گیرد، که به ترتیب موضوع ربعهای «مهمکات» و «منجیات» است؛ و دیگری تبعیت از تقسیم‌بندی چهارگانه کتب فقهی («عبادات»، «عقود»، «ایقاعات» و «حدود») است تا علاقه‌مندان به فقه را تیز به خواندن این کتاب ترغیب کند (همان، ج ۱، ص ۴۳).

هر یک از کتب دهگانه ربعهای چهارگانه با خطبه‌ای مناسب موضوع آغاز شده و با آیات و اخباری که در فصول جداگانه جای گرفته‌اند، تکمیل و سپس حقیقت موضوع و احکام و فروع گوناگون آن بیان شده است.

«ربع عبادات» درباره «خلفای آداب و دقایق سنن و اسرار معانی» است که اغلب این مطالب در کتب فقهی موردن غفلت واقع شده است. کتب دهگانه این ربع عبارت‌اند از: «كتاب العلم»، «كتاب قواعد العقائد»، «كتاب اسرار الطهارة»، «كتاب اسرار العلم»، «كتاب اسرار الصورة»، «كتاب اسرار الصوت»، «اسرار الزكوة»، «كتاب آداب تلاوة القرآن»، «كتاب الآذكار و الدعوات»، «كتاب ترتيب الاوراد». غزالی بدین جهت از «كتاب العلم» آغاز کرده است که علم را «غايت مقصود و نهايٰت مطلوب» می‌داند تا، از یکسو، علمی را که طلب آن بر هر مسلمانی واجب شده است (طلب العلم فريضه على كل مسلم) معرفی کند و، از سوی دیگر، علم سودمند را از علم زیان بخش تنبیه دهد (همان، ج ۱، ص ۲). آسان‌گیری غزالی در بیان احکام شرعی و فقهی در این ربع آشکار است. او به ضروریات بسته می‌کند و به اسرار باطنی و معانی نهانی اعمال بسیش از احکام ظاهری اهمیت می‌دهد.

«ربع عادات» درباره «اسرار معاملات خلق و كُنه آن و دقایق سنن و خلفای ورع» است و کتب دهگانه آن عبارت‌اند از: «كتاب آداب الأكل»، «كتاب آداب النكاح»، «كتاب آداب الكسب والمعاش»، «كتاب الحلال والحرام»، «كتاب آداب الألفة والاخوة»، «كتاب آداب المزلمة»، «كتاب آداب السفر»، «كتاب آداب السماع والوحجد»، «كتاب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر»، «كتاب آداب المعيشة والأخلاق النبوة». این ربع دربرگیرنده اجتماعی ترین و سیاسی‌ترین مطالب احیاء علوم‌الدین است. از جمله، آنچه غزالی درباره انسوان منکرات رایج در مساجد، بازارها، کوچه‌ها، حتامها و مجالس ضیافت و نیز وظایف محتسبان و مردم در مقابل آنها می‌گوید، چهره‌شهرها و حیات جمعی در آن روزگار را نشان می‌دهد و از دقت و تیزبینی او حکایت می‌کند (سروش، ص ۱۴۲). او این ربع را به «ذکر اخلاق آداب پیامبر (ص)» پایان داده است تا

احیاء باقی می‌ماند، با بودن این کتاب گویی چیزی از دست نرفته است (صفدی، ج ۱، ص ۲۷۵) تاریخ تألیف آن را موریس بویر^۱ (ص ۴۲) بین سالهای ۴۹۲ و ۴۹۵ق، و لویی ماسینیون^۲ (ص ۹۳) بین سالهای ۴۹۵ تا ۴۹۶ق حدس زده‌اند. ولی بیشتر احتمال می‌رود که غزالی آن را در فاصله بین سالهای ۴۸۸ تا ۵۰۰ق تألیف کرده باشد، زیرا، از یکسو، پس از گرایش به زهد و تصوف (که در سال ۴۸۸ق واقع شد) دست به تألیف آن زد و از سوی دیگر در جایی در کتاب المتقى من الصالل خود (که آن را در حدود سال ۵۰۰ق تحریر کرده) به احیاء علوم‌الدین ارجاع داده است (نک: غزالی، المتقى من الصالل، ص ۱۴۴).

این تاریخ سا نوشتة غزالی درباره اعجاز قرآن در احیاء علوم‌الدین که گفته است: «تا امروز که نزدیک به پانصد سال بر آن (انتشار قرآن) بگذشت» (همو، احیاء علوم‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۷؛ خوارزمی، ج ۲، ص ۸۰۰) هماهنگ است. نام کتاب («احیاء علوم‌الدین» = زنده کردن دانش‌های دینی) به روشنی انگیزه اصلی غزالی را از نوشتمن آن نشان می‌دهد. او بر آن است که عالمان زمانه چون مفهوم شیطان شده و طغیان ایشان را از راه بدربرد و هر یک به حظ عاجل خود خرسند گشته‌اند، معروف را منکر و منکر را معروف شمرده و به مردم چنین وانمود کرده‌اند که علم از سه گونه فتوای احکام، جدل و سجع پردازی که، به ترتیب، فقهیان و حاکمان، مستکلمان و اعظام، بدانها می‌پردازنند، بیرون نیست. بنابراین، علم آخرت و سیره صالحان سلف که خداوند آن را «فقه و حکمت و علم و ضیا و نور و هدایت و رشد» خوانده، به دست فراموشی سیرده شده است (همان، ج ۱، ص ۲). آنچه غزالی می‌خواهد «احیاء» کند علوم شرعی و علوم اهل طریقت است، زیرا او طریقت واقعی را می‌تئیی بر شریعت می‌داند.

احیاء علوم‌الدین مشتمل بر چهار ربع «عبادات»، «عادات»، «مهمکات» و «منجیات» و هر ربع حاوی ده «كتاب» است که بر روی هم چهل کتاب مستقل، اماً به هم پیوسته، را تشکیل می‌دهند. غزالی برای تقسیم‌بندی چهارگانه کتاب دو سبب ذکر کرده است: یکی موضوع اصلی کتاب که «علم معامله» (ونه «علم مکافحة») است و آن خود به دو علم «ظاهر» و «باطن» تقسیم می‌شود. «علم ظاهر» علم به اعمال جوارح و شامل دو مبحث رابطه‌آدمی با خالق و رابطه‌او با دیگر آدمیان است، که به ترتیب موضوع ربعهای «عبادات» و «عادات» است. «علم باطن» علم به احوال قلب و اخلاق نفس است و به رابطه‌آدمی با خویشتن می‌پردازد و دو مبحث اخلاق نکوهیده و اخلاق ستوده

۵. تحقیق معانی غامض و پیچیده.

عمده‌ترین منابع غرّالی در نگارش احیاء علوم الدین منابع صوفیانه است که محققانی، مانند مارگارت اسمیت^۱، حواء لازاروس-یافه^۲، کوچیر و ناکامورا^۳ و نصرالله پورجوادی، درباره آنها بحث کرده‌اند. پژوهش‌های سه محقق نخست کلی، اجمالی و گاه همراه با نتایج نادرست است، اما تحقیقات پورجوادی دقیق، بدیع و راهگشاست. این پژوهشها نشان می‌دهد که غرّالی، در نگارش بخش‌های مختلف احیاء علوم الدین، از قوت القلوب ابوطالب مکی، آثار محسابی، تهدیب الاسرار خرگوشی، اللمع فی التصوف ابونصر سراج طوسی، شرح تعریف بخاری، الرسالۃ القشیریۃ ابوالقاسم قشیری، کشف المحبوب هجویری و حقایق التفسیر شمامی بهر بره است (پورجوادی، ص ۲۱۳-۲۱۷). در این میان استفاده غرّالی از قوت القلوب بیش از کتب دیگر بوده است.

افزون بر این، غرّالی از مأخذ فلسفی - یونانی نیز استفاده کرده است. مثلاً، در نگارش باب «فی توبیخ النفس و معانتها» (= در معانته با نفس و توبیخ آن) تحت تأثیر کتاب معاذلة النفس بوده که هرمس یا افلاطون نسبت داده شده است (بدوی، ص ۲۲۵-۲۲۹). همچنین روایتی از تمثیل «کوران و فیل» که در میان آثار صوفیه، نخستین بار در احیاء علوم الدین آمده، یک سده پیش از غرّالی در مقابله‌ای ابوحیثان توحیدی نیز آمده است (نک: فروزانفر، ص ۲۶۵-۲۶۶)، و به احتمال بسیار، غرّالی آن را از آن کتاب برگرفته است. گذشته از این نمونه‌ها، شیوه بحث و نتیجه‌گیری غرّالی در بسیاری از موارد مشابه روش فلسفه و حکما و نشان دهنده تأثیر آثار فلسفی و کلامی در اوست.

انتشار وسیع احیاء علوم الدین در سرزمینهای اسلامی واکنشهای متفاوتی را میان موافقان و مخالفان برانگیخت، تا آنچا که می‌توان گفت کمتر کتابی، در طول تاریخ اسلام، این همه مورد ستایش یا نکوهش بوده است (خدیوجم، ج ۱۰، ص ۱۳۱۲) و خود نشان دهنده اهیت بی‌مانند کتاب و تأثیر و نفوذ بی‌سابقه آن در جهان اسلام است (زیرین کوب، ص ۱۵۳).

زیبدی (ج ۱، ص ۴۰) فهرستی از مخالفان احیاء از مذاهب مختلف ارائه کرده (همچنین نک: بدبوی، ص ۱۱۳-۱۱۴) و همایی (ص ۴۱۹-۴۳۶) فهرستی از اهم خردۀایی که بر آن گرفته‌اند به دست داده است. در بلاد مغرب و اندلس و در زمان حیات غرّالی، مخالفتها تا آنجا بالا گرفت که احیاء علوم الدین را کفر و زندقه شمردند و به وجوب سوزاندن آن فتووا دادند. هرچند، پس از مدتی، این کتاب بار دیگر در آن بلاد رواج یافت

الگویی عملی برای طالبان «جامع آداب معیشت» به دست داده باشد (خوارزمی، ج ۲، ص ۳۵۷).

«ربع مهلکات» درباره رذایل اخلاقی است و به موجبات بروز و نحوه شناخت و راههای درمان آنها می‌پردازد و از «موشکافیهای روان‌شناسانه و تخریفهای پارسایانه» سرشار است (سروش، ص ۱۴۳). کتب دهگانه این ربع عبارت اند از: «کتاب شرح عجایب‌القلب»، «کتاب ریاضة‌النفس»، «کتاب کسر الشهوتين» (=شهوۃ‌البطن و شهوۃ‌الفرج)، «کتاب آفات اللسان»، «کتاب ذم‌الغضب والحدق والحسد»، «کتاب ذم‌الدینیا»، «کتاب ذم‌البخل و ذم‌حب‌المال»، «کتاب ذم‌الجاه و الریاء»، «کتاب ذم‌الکبر والعجب»، «کتاب ذم‌الغور». مطالب این ربع، بیش از هر بخش دیگری، جهان‌بینی صوفیانه غرّالی و دستاورد دوران عزلت و سلوک سلطانی او را نشان می‌دهد، به‌ویژه حجم عظیم اخبار و آثار و مثالهایی که در مذمت دنیا آورده است، نشان دهنده زهد و کناره‌گیری او از دنیاست.

«ربع منجیات» به شرح خوبیهای ستوده و خصلتهای پسندیده، که ویژه مقرّبان و صدیقان و موجب تقرّب به حضرت الهی است، اختصاص یافته و در آن، سبب جلب این خصایل و علامت و ثمرة آنها بیان شده است. کتابهای این ربع عبارت اند از: «کتاب التوبه»، «کتاب الصبر والشکر»، «کتاب الخوف والرجاء»، «کتاب الفقر والزهد»، «کتاب التوحید والتوكّل»، «کتاب المحبة والشوق والانس والرضا»، «کتاب النیة والاخلاص والصدق»، «کتاب المراقبة والمحاسبة»، «کتاب الفكر»، «کتاب ذکر الموت و مابعده». در کتاب توبه، که به حقیقت گناه و تفاؤت گناهان صغیره و کبیره و حقیقت توبه و راههای آن پرداخته است، آنچه اهیت دارد مصالح دینوی و تأثیر و نقش گناهان در معیشت اجتماعی است تا آنجا که بزرگی گناهان کبیره به بزرگی زیانی بستگی دارد که به زندگی اجتماعی آدمیان وارد می‌کند (همان، ص ۱۴۵). «کتاب ذکر الموت و مابعده» مفصل‌ترین کتاب احیاء علوم الدین است که به خوبی دغدغه غرّالی را، درباره مرسگ و آنچه پس از آن پیش خواهد آمد، نشان می‌دهد و چه بسا تنها کتابی باشد که او در آن از «کشف و استبصار خود» سخن گفته است (همان، ص ۱۴۹).

اگرچه برخی از معانی مندرج در این چهار ربع، پیش از غرّالی، در کتابهای دیگر نیز آمده است، اما، به گفته‌او، اثرش پنج تمايز اصلی با آن کتابها دارد: ۱. بیان ناگفته‌ها و تفصیل مطالب اجمالی؛ ۲. ترتیب و تنظیم مطالب پراکنده؛ ۳. تلخیص مطالب طولانی و شرح نوشتنهای؛ ۴. حذف مکررات و حفظ محسّنات؛

اردو با نام مراقع العارفین در دست است که در سال ۱۳۳۱ق / ۱۹۱۲م در لکھنؤ به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است. همه با بخشی از کتاب نیز به زبانهای ترکی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و اسپانیایی ترجمه شده است (بدوی، ص ۱۱۸-۱۲۲).

در آثاری که پس از احیاء علوم الدین تألیف شده‌اند، به ویژه در آثار عرفانی و اخلاقی، تأثیر این کتاب مشهود است. این تأثیر در دو حوزه کلی «مفاهیم و موضوعات» و «تعبارات و تمثیلات» قابل بررسی است. از جمله، خواجه نصیر الدین طوسی در اخلاق ناصری^{*}، ملامه‌نی نراقی (متوفی ۱۲۰۹ق) در جامع السعادات و فرزندش، ملامحمد نراقی (متوفی ۱۲۴۵ق) در معراج السعادة از این کتاب تأثیر پذیرفته‌اند. همچنین شاعران و نویسندهای مانند سنایی، مولوی، نسفی، عطار، سعدی، ابن عربی و ملاصدرا، کم و بیش از احیاء بهره گرفته‌اند.

از احیاء علوم الدین نسخه‌های خطی فراوانی در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد که احصای تمامی آنها بسیار دشوار و چه بسا ناممکن است (نک: همان، ص ۹۸-۱۲۱؛ درایستی، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۲۶). اقبال مرمد در سرزمینهای مختلف اسلامی به این کتاب، موجب شده است که، در کشورهای مختلف و به شیوه‌های گوناگون، چاپ و منتشر شود که شاید کهن‌ترین آنها چاپ بولاق در سال ۱۲۶۹ق / ۱۸۵۲م باشد (بدوی، ص ۱۱۲؛ برای فهرستی از چاپهای احیاء همچنین نک: همان‌جا)، این چاپها اغلب علمی و انتقادی نیستند. با این‌همه، چاپ پنج جلدی بیرون (دارالمعرفة للطباعة والتشریف)، که در قطع رحلی و همراه با چهار اثر دیگر است، بیش از چاپهای دیگر در ایران رواج دارد. در سال ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م چاپ منقّحی از این اثر براساس سه نسخه فراهم آمده که در دمشق به طبع رسیده و از دیگر چاپها به مراتب بهتر است.

منابع: بدوي، عبد الرحمن، «الغزالى و مصادره اليونانية»، ابوحامد الغزالى (فى الذكرى المئوية التاسعة لميلاده)، دمشق، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م؛ پورجوادی، نصرالله، دو مجلد، تهران، ۱۳۸۱ش؛ خدیو جم، حسین، «احیاء علوم الدین» دانشنامه ایران و اسلام، زیرنظر احسان یارشاطر، تهران، ۱۳۶۰ش؛ خوارزمی، مؤید الدین، ترجمه احیاء علوم الدین، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، ۱۳۸۴م؛ درایستی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتخا)، تهران، ۱۳۹۰ش؛ زبیدی، محمد بن محمد بن حسینی زبیدی مشهور به «مرتضی» است، که او آن را در قرن دوازدهم ق در مصر تألیف کرده است.

شهرت و اهمیت احیاء علوم الدین سبب شد که، در حدود یک قرن پس از مرگ غزالی، مؤید الدین خوارزمی به سفارش و حمایت شمس الدین ایلشتمش (حک: ۱۳۳۶-۱۴۰۷ق)، در سال ۲۰۰ع، این کتاب را در دهلی به فارسی ترجمه کند تا همگان از آن بهره گیرند (خوارزمی، ص ۳-۴). ترجمة کاملی هم به زبان

ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ق) از مهم‌ترین مخالفان احیاء بود که کتاب إعلام الاحياء بأغلاط الاحياء را درباره اغلاط آن نوشت. همزمان با او و بعد از او، نوشتمن رذیه‌ها بر احیاء ادامه یافت (نک: بدوي، ص ۱۱۳-۱۱۴) تا آن‌جا که در دوره معاصر نیز علامه امینی در الغدیر به شدت به غزالی و کتابش، احیاء علوم الدین، تاخته است (سروش، ص ۱۵۰). با این حال، علاقه و اشتیاق مردم به این کتاب سبب شد که مخالف سرسختی، چون ابن جوزی، احیاء علوم الدین را از آنچه به زعم او اشتیاه و گمراه کننده بود پیراًزاد و خلاصه‌ای از آن با نام منهاج القاصدین فراهم کند. دیگر تلخیص مهم لمباب الاحیاء نام دارد که از آن احمد غزالی است. المحاجة البيضاء فى تهذيب الاحياء تلخیص و تهذیب دیگری است که نویسنده آن، ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ق)، علاوه بر اینکه کتاب «آداب الشیعه و اخلاق الامامة» را جانشین کتاب «آداب السمع والوجود» کرده، بر کل اثر جامه‌ای شیعی پوشانده است (همان، ص ۱۵۱).

مهم‌ترین و مفصل‌ترین شرحی که بر احیاء نوشته شده اتحاف السادة المتفقین بشرح احیاء علوم الدین اثر محمد بن محمد حسینی زبیدی مشهور به «مرتضی» است، که او آن را در

یک قرن پس از مرگ غزالی، مؤید الدین خوارزمی به سفارش و حمایت شمس الدین ایلشتمش (حک: ۱۳۳۶-۱۴۰۷ق)، در سال ۲۰۰ع، این کتاب را در دهلی به فارسی ترجمه کند تا همگان از آن بهره گیرند (خوارزمی، ص ۳-۴). ترجمة کاملی هم به زبان

هر پدیده‌ای باید ویژگه‌ها و مؤلفه‌های شکل دهنده آن را شناخت. بدون فهم این مؤلفه‌ها ممکن است «ادبیات انقلاب اسلامی» را با «ادبیات پس از انقلاب اسلامی» یا نوع و گرایش خاصی از ادبیات رایج در این دوران اشتباه بگیریم. این ویژگیها از این قرار است:

ادبیات انقلاب اسلامی با ویژگیهایی از قبیل «دعوت به هویت ایرانی- اسلامی» و «پارگشت به خویشتن اسلامی و ایرانی» و «بومی‌گرایی» (توجه به نمادها و مفاهیم بومی در آفرینش ادبی) و «نقد سلطه استعمارگران و بیگانگان»، «تعهد نسبت به سرنوشت انسان» و «مردم‌گرایی» (توجه به آرمانهای مردم و کاربرد زبان مناسب برای ارتباط با آنان در غالب آثار)، «تأکید خاص بر ارزشهای جون عدالت و آزادی و استقلال» و «توجه جدی به مضامین اسلامی و عرفانی و معنوی، (به ویژه مضامین شیعی و حادثه جان‌گذاز اشورا)» و «تأکید بر وحدت و یکپارچگی امت اسلامی» شناخته می‌شود.

«نمادگرایی اجتماعی» برای گریز از تنگی‌سازی سانسور در دوران اختناق و «بهره بردن از ظرفیت‌های هنری نمادها» از دیگر ویژگیهای این‌گونه ادبیات است. ادبیات انقلاب به دلیل «التزام اخلاقی و مذهبی» از بیان عفیف و اخلاقی، حتی در آثار عاشقانه و ادبیات اعتراضی، بهره می‌برد و «زبان منزه» نیز یکی دیگر از ویژگیهای آن است.

ادبیات انقلاب اسلامی، اگرچه، مثل ادبیات مشروطه، به پیشرفتها و دست آوردهای دنیای جدید، از قبیل مردم‌سالاری و نظام پارلمانی، در چهارچوب ارزشهای اسلامی و بومی، اهتمام می‌ورزد، اما از نقد مناسبات حاکم بر دنیا امروز، اعمّ از استعمار نو و مشکلات دنیای ماشینی و نظام سرمایه‌داری و ناسابمانیهای محیط زیستی و جنگ‌افروزیهای دولتهای سلطه‌جو و از خودبیگانگی انسان و مشکلات زنان در دنیا «مدون» غافل نیست.

این ادبیات نسبت به جریانات اجتماعی و سیاسی «تعهد» است، اما تعهدی که هرگز مانند ادبیات مارکسیستی و امثال آن در چهارچوب تعهد به حزب و سازمان و تشکیلات و دولت خاصی نمی‌گنجد. به همین علت است که شاعران و نویسندهای این ادبیات، ضمن التزام به مبانی و آرمانهای اساسی انقلاب، دارای گرایشهای مختلف سیاسی‌اند و در موارد بسیاری در سالهای پس از انقلاب به آفرینش ادبیات اعتراضی نسبت به ناهمجاریهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی پرداخته‌اند. این اعتراضها اغلب شامل اعتراض به فراموشی ارزشها و یاد شهدا و مشکلات اقتصادی مردم و ایشارگران و اعتراض به اختلافات طبقاتی موجود در جامعه و رفتار افراد

قاهره، ۱۳۹۴ق / ۱۹۷۴م؛ همو، الاماء عن اشكالات الاحياء، نک: غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین؛ فروزانفر، بدیع الرّمان، احادیث و قصص مثنوی، بدکوشش حسین داوودی، تهران، ۱۳۷۶ش؛ الکستانی، محمدالمستنصر، «الغزالی والمغرب»، ابوحامد الغزالی (فى الذكرى المئوية الثاسعة لميلاده)، دمشق، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م؛ همایی، جلال‌الدین، غزالی‌نامه، تهران، ۱۳۴۲ش؛

Bouyges, Maurice, *Essai de Chronologie des œuvres de al-Ghazali*, ed. M.Allard, Beirut, 1959; Massignon, Louis, *Recueil de textes inédits concernant l'histoire de la mystique en pays d'Islam*, Paris, 1929.

سلمان ساكت

ادبیات انقلاب اسلامی. مجموعه آثار ادبی‌ای که شاعران و نویسندهای معاصر در سالهای مبارزات نهضت و انقلاب اسلامی مردم ایران، به رهبری امام خمینی(ره) و، پس از پیروزی انقلاب، در جهت آرمانها و اهداف و حوادث این نهضت و انقلاب پدید آورده‌اند. این نهضت، که ریشه در مبارزات تاریخی ملت ایران در جهت حفظ استقلال و به دست آوردن آزادی و کسب سعادت مادی و معنوی خود دارد، از لحظه زمانی، تقریباً از اوایل دهه چهل شمسی و همزمان با آغاز مبارزات امام خمینی با استبداد حاکم آغاز می‌شود و در پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ش و قیام مردم مسلمان ایران در حمایت از نهضت اسلامی شکل عینی تری به خود می‌گیرد و در طی دهه‌های بعد گسترش می‌پاید. طبعاً آثار انقلابی و مبارزه جویانه مربوط به پیش از این تاریخ، حتی اگر با صبغة اسلامی آفریده شده باشند، اصطلاحاً جزو ادبیات انقلاب اسلامی محسوب نمی‌شوند.

آنچه با نام «ادبیات دفاع مقدس» شناخته می‌شود نیز بخشی از مجموعه ادبیات انقلاب اسلامی است که به ارزشها و آرمانهای دفاع هشت ساله ملت ایران در برابر تجاوز دولت عتی عراق و فداکاریهای رزم‌ندگان و ایشارگران دفاع مقدس و دفاع از آرمانها و اندیشه‌های آنان اختصاص دارد. این ادبیات که، در سالهای دفاع مقدس، با مضامینی حماسی، رزم‌ندگان و مردم را به دفاع از میهن و ارزش‌های اسلام و انقلاب فرا می‌خواند، در سالهای پس از جنگ نیز در قالب آفریدن آثاری در جهت دفاع از حقانیت و آرمانهای دفاع مقدس و شهدا و بیان خاطرات آنها تداوم یافته است.

ادبیات انقلاب اسلامی ایران آثاری در ادبیات کشورهای دیگر، مخصوصاً ادبیات مردم فارسی‌زبان در خارج از ایران، بر جای گذاشته است که این مقاله جای پرداختن به آن نیست. ویژگیها و مؤلفه‌های ادبیات انقلاب اسلامی. برای شناخت